



$$2+2=32563/5$$

وقتی دو به اضافه‌ی دو می‌شود سی و دو هزار و پانصد و شصت و سه و نیم!

همه به ما می‌گویند همه جای دنیا $2+2=4$ است، یعنی هر چیزی توی دنیا جواب‌های مشخصی دارد و هر کاری نتیجه‌ی معلومی. هر کس خربزه بخورد، پای لرزش می‌نشیند. (یعنی هر کسی سزای کاری را که کرده، خوب یا بد، می‌بیند.) اما خیلی دوها به اضافه‌ی دو، اصلاً و ابداً جوابش چهار نیست و خربزه‌هایی هست که یک نفر می‌خورد، اما همه پای لرزش می‌نشینند! چطور؟ مثلاً یک آدم برای تفریح خودش یا از سر بی‌احتیاطی باعث آتش‌سوزی در جنگل می‌شود. اما نتیجه‌ی کار او فقط به خودش ضرر نمی‌زند، درخت‌ها و حیوانات زیادی می‌سوزند و از بین می‌روند. وقتی خاک، درخت‌ها را از دست می‌دهد، باران را در خودش نگه نمی‌دارد و سیل راه می‌افتد. خانه‌ها خراب می‌شوند و آدم‌های زیادی آسیب می‌بینند. هوا آلوده می‌شود، پرنده‌ها می‌میرند و آدم‌های زیادی مریض می‌شوند.

تعداد کمی از آدم‌ها، زمین‌های جنگلی را می‌خرند، دور آن خانه می‌سازند؛ آن‌ها دلشان می‌خواهد خانه‌شان جای قشنگی باشد. بعد برای خانه‌شان جاده و خیابان و کوچه می‌سازند و بدون این که متوجه باشند، بخشی از جنگل از بین می‌رود، حیوانات آواره می‌شوند یا از گرسنگی می‌میرند یا برای پیدا کردن غذا به خانه‌ی آدم‌ها می‌آیند، آدم‌ها می‌ترسند و آن‌ها را می‌کشند! با کم شدن حیوانات و درخت‌ها محیط زیست سالم از بین می‌رود و آدم‌ها هم کم کم بیمار می‌شوند و...

یک کشاورز برای این که محصول بیش‌تری به دست بیاورد، از مواد شیمیایی استفاده می‌کند، او سود زیادی می‌برد، اما کم کم خاک مسموم می‌شود و آدم‌هایی که آن محصول را می‌خورند (که شاید خود کشاورز هم جزو آن‌ها باشد) بیمار می‌شوند و...

می‌بینید؟ گاهی نتیجه‌ی کار ساده‌ی ما، خیلی خیلی بزرگ‌تر از خود کار می‌شود، گاهی بدون آن که بخواهیم، به دیگران، آدم‌ها، زمین، آب، درخت و جانور آسیب می‌زنیم. گاهی جواب دو به اضافه‌ی دو به جای چهار می‌شود سی و دو هزار و پانصد و شصت و سه و نیم یا حتی خیلی بیش‌تر!

مرجان فولادوند

• تصویرگر: نسترن عنبری